



•دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۶۹

حدیث روز

امام جواد(ع): اگر نادان سخن نگوید، مردم اختلاف نمی کنند [سخنان ناآگاهانه سبب بسیاری از اختلافات است].

الفصول المهمة

ذکر روز دوشنبه

صد مرتبه «یا قاضی الحاجات»

در محضر بزرگان

اٹمه(ع) در هر جا حاضر و ناظرند

مرحوم آیت... بهجت فرموده اند: هر جا هستیم، می توانیم به هر کدام از آن ها (اهل بیت علیهم السلام) متوسل شویم. در زیارت سیدالشهدا(ع) بر همه اٹمه(ع) بلکه انبیا(ع) سلام شده است. اگر کسی بخواد تشنگی و عطش دیدار آن ها را در وجود خود تخفیف دهد، زیارت مشاهد مشرف به منزله ملاقات آن ها و دیدار حضرت غایب(عج) است. آن ها در هر جا حاضر و ناظرند.

حکایت

گوزن و گل سرخ

گوزنی در پناه گل سرخی خانه ای داشت. به خاطر خارهای گل از خطر هارهاییده شده بود. صیادان در این اندیشه بودند که سگان بی عرضه اند که نمی توانند گوزن را شکار کنند. یک روز که گوزن از خطر جسته بود، شاخ و برگ گل سرخ را با و لع خورد. همان دم صدایش را سگان شنیدند، از زیر گل بیرون آوردندش و کنار گل سرخ او را کشتند. این است سزای نمک نشناسی.

نویسنده: ژان دو لا فونتن

مترجم: ملیحه صدیقی

فرهنگ لغت!

امیر حسین خوش حال

پیتزا: مامان «بردپیت»

هشتک: پسر علی کریمی

تیمور: مورچه کارگر

شیشه: هفت نیست!

تشدید: عاقبت نگر

صابون: آسانسور

بالا بر: عمه

متکا: عمو

استاد بوم: معلم روزانه

کشدار: خرازی

اسکی: پالیز

قرارمدار

روز سرود قدیمی امروز با دوست ها یا اقوام و اطرافیان تون دور هم جمع بشین و به یاد دوران مدرسه به سرود قدیمی رو التقات و هم فوانی کلین

اندکی صبر

دیر آمدی

منوچهر پورزربین

چقدر دیر آمدی حالا که لب هایم را گم کرده ام چگونه با تو حرف بزنم!

دنیا به روایت تصویر



فرانس پرس | اعتراض فعالان محیط زیست به اکتشاف نفت در آب های یونان

تا حالا دقت کردین



با خانمان

دور کارها را ببینید

مهدي پسا صغري خواه اطنيز يزداز



وقتی دور کاری می کنی، بیشتر از همیشه باید به دیگران ثابت کنی که در حال کار کردن هستی. خانه داری همراه با دور کاری تضاد جالبی دارند. دفترتان پذیرایی خانه است، حتی سرایداری هم نیست که یک چکه چای دستتان بدهد. قبل از جلسه کاری که با ویدئو چت برگزار می شود، باید زیر شعله غذا را کم کنی و حواست به ساعت برداشتن بچه از مدرسه هم باشد. به طور قطعی ساعت کاری مشخصی نداری و دیگر یک زن یا یک مادر یا یک انسان نیستی. تو گونه جهش یافته ای از یک ابرقهرمان هستی که برای نجات دنیا، خودت را به در و دیوار می زنی.

دور کارها راحت تر از بقیه مردم تعدیل می شوند. آن ها از مدیران سر سخت خود هرگز هدایای مناسبتی دریافت نمی کنند و تقدیر و تشکر از آن ها با چهار تاستیکر و یک جمله «ممنون» در فضای مجازی برگزار می شود. «دور کارها» تجسم نهایت انعطاف پذیری یک آدم در کار سازمانی هستند. پروژه زیر آب زنی آن ها با اعصاب خردی کمتری انجام می شود، البته این تصور احماقانه مدیرانی است که نقش سازمانی آن ها را باور نمی کنند. دور کارها هرگز از لحن چت های کارفرما، دوست و دشمن بودنش را متوجه نمی شوند. برای دریافت حقوق باید آخرین نفری باشند که اعتراض می کنند چون از نگاه دیگران آن ها تابستان زیر کولر و زمستان کنار بخاری نشسته اند و ترمی دهند.

برای دور کارها هر شبانه روز ظاهر ۴۸ ساعت است یا حداقل مدیران شان این گونه تصور می کنند که آن ها همیشه وقت دارند. آن ها بیشتر از بقیه در گیر مشکل ارجاع کارهایشان می شوند و همیشه بی سرو صدا از یک چیزی جا می مانند. دور کارها مثل یک انجمن مخفی هستند که هیچ پایگاه داده های آماری حاضر نیست آمارشان را ثبت کند، چون مدیران این کار را ائتلاف

وقت و انرژی می دهند. مشکل اشتباه در صدا کردن شان با یک اسم و فامیل دیگر هم پیش پا افتاده ترین مشکل شان است. آن ها وقتی تصمیم می گیرند از تحریریه های آنلاین بیرون بروند و محیط کار جدیدی را تجربه کنند هرگز مورد بدرقه کسی قرار نمی گیرند. دور کارها مظلوم اند، آن ها مصداق باز با این اصطلاح برای مدیران شان هستند: «وقتی اومدی نفهمیدیم کی اومده و وقتی رفتی هم نفهمیدیم چه کسی رو از دست دادیم»!

دیدنی ها

حفاظت از محیط زیست با بازیافت دمپایی!

آلوده، آموزش و توانمندسازی مردم برای احترام به منابع طبیعی است که با این کار عشق به اقیانوس ها را ترویج می دهد. «فرانسیس موتوا» که پیشتر به حرفه مثبت کاری مشغول بوده، اکنون عضو خانواده ۹۰۰



گتی |بیج | مسابقات اسب سواری در سرمای سوئیس

تایخند

- به نظر م قبل از ازدواج بشینین با طرف بحث کنین که آیا دمپایی توالت رو خیس می کنه یا نه! خیلی موضوع مهمیه. از ش سطحی رد نشین!
- آخرین باری که لپ تایم روی حالت sleep نبود و خاموش بود توی کشتی بود. کشتی باری که داشته از چین میاور دتش ایران!
- ترسناک تر از گوشت کیلویی ۱۲۰ تومن، غذاهای ۱۵۰۰ تومنی دانشگاهه!
- قیمت اجناس این قدر بالا رفته که یک بار قسطی کردن واسه خرید کافی نیست؛ باید هر کدوم از اون قسط ها رو هم قسط بندی کنن بلکه بشه از پس پرداختشون بر اومد!
- احسان علیخانی چنان اول بر نامه از در مردم میگه و مثلا به فکر مر دمه که انگار مایادمون رفته اگه اون موقعیت رو گل می کرد ما به عنوان سر گروه صعود می کردیم مرحله حذفی!

دور دنیا

برشته سازی قهوه در فضا



آدیتی سنترال- یک شرکت برشته کاری قهوه در دبی قصد دارد ۳۰۰ کیلو گرم قهوه را به فضا و در ارتفاع ۲۰۰ کیلومتری از سطح زمین بفرستد. مدیران بخش رست این شرکت به این نتیجه رسیده اند که بهترین شرایط برای رست قهوه، در گرانش صفر و بادمای اتمسفر اتفاق می افتد. آن ها می گویند وقتی هیچ جاذبه ای نباشد قهوه ها بدون این که با هم برخورد داشته باشند فقط حرارت ببیند، بهترین نوع قهوه رست شده به دست خواهد آمد.

دوئل با شمشیرهای جنگ ستارگان



اسپوتنیک- دوئل با شمشیرهای نوری جنگ ستارگان به ورزش رسمی در فرانسه تبدیل شده است و حالا شما می توانید با سلاح های تخیلی این سریال در باشگاه های فرانسه شمشیر بازی کنید! بر اساس تصمیم فدراسیون شمشیربازی فرانسه شمشیرهای نورانی، شبیه شمشیرهایی که در فیلم جنگ ستارگان از آن استفاده می شد، به فهرست شمشیرهای رسمی اضافه شده است. این موضوع را در نظر داشته باشید که این شمشیرها نمی تواند حریف را با یک ضربه به دو نیم تقسیم کند، چون از پلی کربنات ساخته شده است و در آن ها لامپ های نورانی قرار دارد!

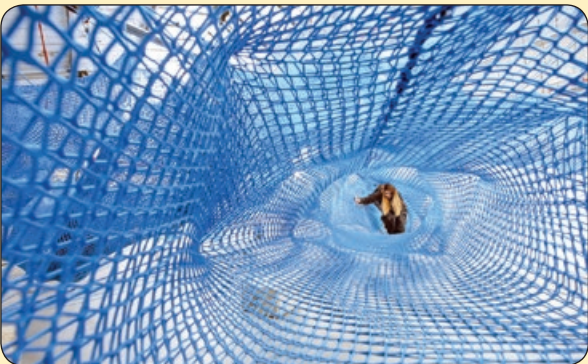
پاسخ مسابقه! این کیه؟

خانواده برنده!

سلام. این هم کاریکاتور کامل شخصیت مسابقه پیش، استاد علی نصیریان، هنرمند گران قدر تئاتر، سینما و تلویزیون کشور مون که در این جشنواره فیلم فجر پس از سال ها سرانجام سیمرغ بلورین این افتخار رو پیدا کرد که در دستان ایشون جا بگیره. برای استاد نصیریان و دیگر هنرمندان عزیز مون آرزوی سلامتی می کنیم. از بین مخاطبان روزنامه و کانال «زندگی سلام» که درست پاسخ دادن، طبق قرعه نام آقای علی سعیدی، به عنوان برنده انتخاب شد. ایشون که معلم و از شهر کاشمر هستن، خواننده حرفه ای روزنامه و «زندگی سلام» هستن که البته تو این مسابقه با نام پسرشون آقا محمد صالح شرکت کرده بودن. بهشون تبریک می گیم و به امید خدا با مسابقه بعدی، عکس و کاریکاتور رو می تونید همین جا ببینید. خوش باشید.



منبع: Incidental tourist



گاردین | بازدید از یک اثر هنری در نمایشگاه مد لندن

تفال

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
جلوه ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت
عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

افسانه های نوین

گدای نابینا و رهگذر فضول و پسر باربر



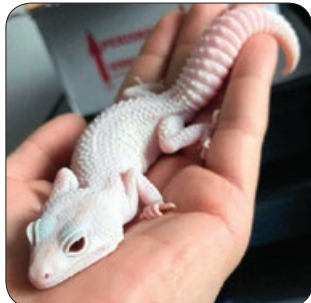
علکساندر کار براتور | مورخ مولف و عمود منصف

در زمان های قدیم رهگذر همیشگی افسانه هایمان که به دلیل آرتور و دیسک و سیاتیک نمی توانست راه برود و وظیفه رهگذران را به عهده پسرش گذاشته بود، در حالی که روی گول پسرش بود، از کوبی گذر می کردند. ناگهان چشم شان به گدای نابینایی افتاد که از زمان نوجوانی رهگذر درست همان جا روی جعبه ای می نشست و گدایی می کرد. رهگذر با عیاض به شانه پسرش زد تا بایستد، سپس رو به گدا کرد و افزود: «هان چه می کنی ای گدا؟» گدا به سمت صدا بر گشت و افزود: «گدایی!» رهگذر که مدت ها بود به دلیل خانه نشینی دچار افسردگی شده بود، تصمیم گرفت کمی سر به سر گدا بگذارد تا حالش جا بیاید. سپس خودش را از گول پسرش بالا کشید چون داشت می افتاد و رو به گدا افزود: «هان ای گدا! خسته نشدی از این که سال هاست همین جا و روی همین جعبه می نشینی و گدایی می نمایی؟ اصلا در این سی سال به این فکر کرده ای که شاید توی این صندوقی که رویش می نشینی چیزی باشد که لازم نبوده سال ها گدایی کنی!» گدا عصبانی شد و افزود: «توی این صندوق چیزی نیست، تو هم برو رد کارت فضول!» «رهگذر با عیاض به ران پسرش زد تا جلوتر برود و با بدجنسی افزود: «اصلا بلند شو تا ببینیم تویش چیست! شاید گنجی باشد که تو را برای همیشه بی نیاز کند.» گدا عصبانی تر شد و بی هدف عیاض را توی هوا تکان داد بلکه به سر و کله رهگذر فضول بخورد و رو به هوا افزود: «عجب گیری افتادما! بروپی کارت! به تو چه که تو این صندوق چیه؟ اصلا نمی خوام ثروتمند بشم!» مودی گری رهگذر گل کرد و افزود: «پاشو دیگه... پاشو!» و خم شد و صندوقچه را باز کرد. گدا در مانده گوشه ای ایستاده بود و به صداها گوش می داد و زیر لب چیزهایی می گفت که از ذکر آن ها معذوریم.

تا در صندوقچه باز شد، چشم های رهگذر و پسرش چهار تا شد و هم زمان افزودند: «وای...» و سپس رهگذر به تهایی افزود: «ای بی خرد! دیدی؟ یک عمر روی گنج می نشستی و بی خبر دست را به سوی مردم دراز می کردی. حقش است که این داستان تو را ضرب المثل کنم تا مردم یاد بگیرند آن چه خود دارند ز بیگانه تمنا نمایند...» همان طور که رهگذر مشغول سرزنش گدا بود، گدا هر اسان جلو آمد و عینک دودی اش را برداشت و افزود: «هیس لعنتی... اینا پول های خودمه فضول! بیا این کیسه اشرفی رو بگیر و دهنت رو ببند و فقط برو!» سپس رو به دور بین کرد و افزود: «عجب بدبختی ای داریم با این رهگذر فضول!» و این گونه بود که آن گونه شد!

نشر اکاذیب

کشف توله ازدها



هنوز رنگش جا نیفتاده و پدر و مادرش دنبالش نیامده اند، فعلا توانایی آتش بیرون دادن ندارد و فقط در حد فندک می تواند جرعه تولید کند. دانشمندان امیدوارند با کشف خانواده این ازدها، هم او از تیمی در بیاید و هم بتوانند معضل گرمایش زمین را حل کنند.

ماوشما

راه.ار.تباطی با ما: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

- * برای قرارمدار «آرزوی برف» کمی دیر شده چون برف از حالا به بعد باعث از بین رفتن کشت بهاره می شود، ان شاء... «باران» بیارد.
- * مامان های گلم روزتون مبارک، سایه تون مستدام الهی.
- * شراره، مشهد
- * درود بر بانوی مهربون خودم فاطمه زارع که خیلی دوستش دارم، پیشاپیش (۲۷ اسفند) تولد ۲۲ سالگی رو بهش تبریک می گم.
- * مجنونت محمدرضا
- * درون هر آدمی که می شناسید، آدمی هست که نمی شناسید.
- * مسعود مجنونپور
- * یک اسفندی خصاص، یک قلب پر احساس؛ زهرای عزیزم
- * تولدت مبارک، سیاس گزار تمام خوبی هایت... علیرضا صادقی
- * صفحه زندگی سلام محتوای سابق رونداره. خواهش می کنم کاغذ و حروم نکنین.
- * دوستان خوبم قاسم پاک نیت، حامدرحیمی و منصور سلجوقی، امیدوارم همیشه موفق باشید.
- * محسن
- * آق کمال، به مسابقه فوتبال رو با لهجه مشهدی گزارش کن و بذارتو کانال زندگی سلام، باور کن رکورد بازدیدو می شکنه!
- * آق کمال: فکر بدی نیست، بعدشم منتم کانال بز نم و ممبر بیگیرم و از تبلیغاتش پول در بیارم و... انا حالا خوب رفتم، فیلترش کردن که!